

غزل شماره ۳۷۲

بگذار تا ز شاعر میخانه بگذریم

کز بهر جرعه‌ای همه محتاج این داریم

روز نخست چون دم رندی زدیم و عشق
شرط آن بود که جزره آن شیوه نسپریم

جایی که تخت و مسدجم می رود به باد
گر غم خوریم خوش نبود به که می خوریم

تا بو که دست در کمر او توان زدن

در خون دل نشسته چو یاقوت احمریم

واعظ مکن نصیحت شوریدگان که ما

با خاک کوی دوست به فردوس سگریم

چون صوفیان به حالت ورهزند مقتدا

مانیر هم به شعبه دستی بر آوریم

از جرمه تو خاک زمین درو لعل یافت

بچاره ما که پیش تو از خاک کسیریم

حافظ چوره به گنکره کاخ وصل نیست

با خاک آستانه این در به سر بریم

تفسیر فال

حاجتی دارید که این حاجت شما تنها به امورات مادی محدود نمی‌شود بلکه در عمق وجود شما به مسائل و نیازهای معنوی مربوط می‌گردد. با خودتان پیمان بسته‌اید که دیگر غم و اندوه مادیات را در دل نپروانید، هرچند که آگاه هستید که مال و ثروت از جمله ملزومات زندگی روزمره‌تان محسوب می‌شود. با این حال، دست تقدیر و سرنوشت برای شما آینده‌ای روشن و پر امید رقم زده است. این آینده نه تنها به تحقق نیت‌های معنوی شما کمک خواهد کرد، بلکه برکات مالی، ثروت و همچنین مقام نیز نصیب شما خواهد شد. این فرآیند نشان‌دهنده‌ی آن است که اگر انسان‌ها بر روی ارزش‌های معنوی تمرکز کنند، در نهایت نتایج مثبت و فراوانی از جنبه‌های مادی نیز در زندگی‌شان پدیدار خواهد شد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)